



Iri Sekai Presents



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/irisekai/



IriSekai91008@gmail.com

من جہم:

Nick

الدینور:

Sg~



دیدی؟ نگفتم به
خودت فشار نیار؟

SLASH -

هرطور مایلیه شاهزاده

Original: Mokgambi • Comic: Antstudio

-18-

دو هفته از وقتی
که هیولاها حمله کردن
می گذره.

خوشبختانه بعد از اون
هیچ اتفاقی نیوفتاد. ولی ازون
په بعد من و کایت تا چون
داریم تمرین می کنیم.

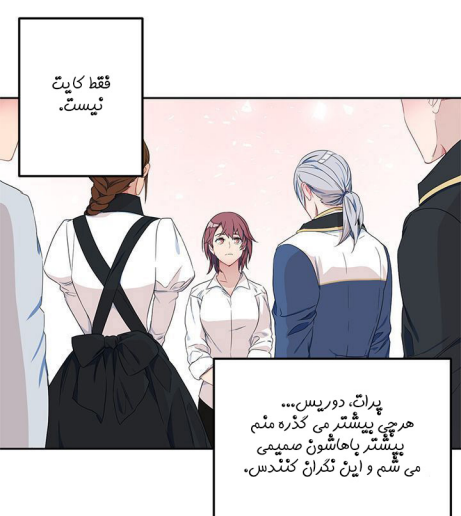
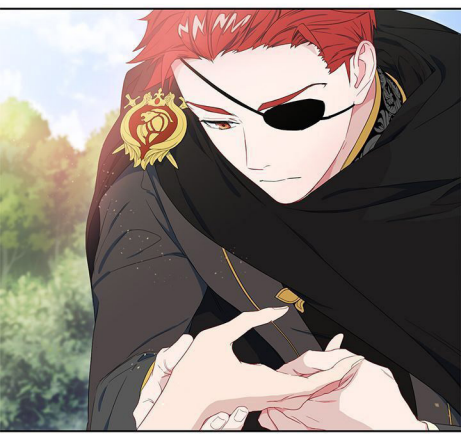
حدود ۴ تا ۵ ساعت
در روز شمشیرزنی
تمرین می کنیم و
غروب هم رقصی.

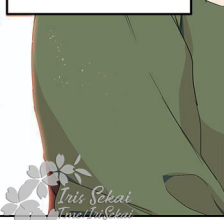


Iris Sekai
Tme/Iris Sekai

من خیلی قوی تر
شدم، اما په لطف اون
هر روز خدا خسته م.

به محض اینکه
سرمو رو بالش
میدارم خوابم
می بره...





من اینجا شاد و
خوشبختم... ولی معیورم هر
روز این حسو پنهان کنم.

نمی توئم
فراموش کنم.



حتی یک لحظه
رو هم نمی توئم
از یاد ببرم.

من اینجا فقط به
مهمونم، و هدفم اینه
که برگردم خونه.

ممکنه
زخم شه.



اشکالی نداره. به
دورس میگم یکم
پماد بماله.

نمی خواد الان
بری پیداش کنی.



بیا اینجا بشین.

تازگیا واس
خاطر تو خیلی چیزا
با خودم اینور اونور
می برم.





یادت که نرفته
شغل واقعیت چیه؟

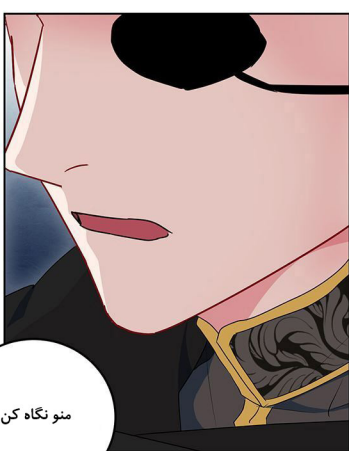
یا شایدم تو دنیای
خودتم جنگنده ای و ما
روحمونم خبر نداره.



...نمی تونم بگم کامل درک
می کنم چه حسی داره بیوفتی
تو به دنیای کاملاً غریب.

ولی می دونم هرچقدر
بیشتر اینجا می مونی
برات سخت تر میشه.





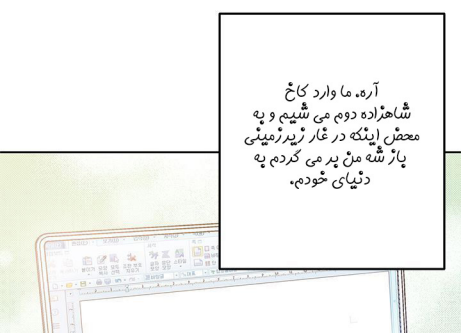
منو نگاه کن.



من هر کاری از دستم
بر بیاد انجام میدم که
بر گردونمت خونه.

به من
اطمینان کن.





تتها چینی که باید
یادم باشه اینه که توی
لپتاپ بنویسم کایت به
تاج و تخت برسه.

اونوقت همه
چی تموم میشه.
برای همیشه.

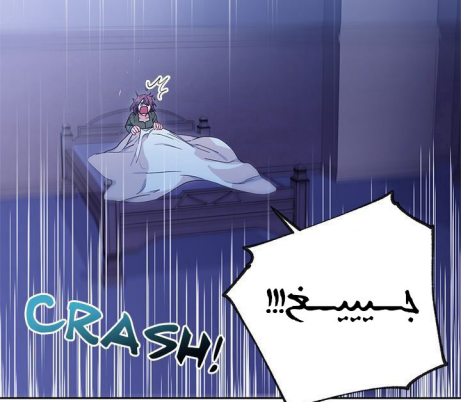
کایت حتما با
شاهدخت استاتیستی
از میتل لورن ازدواج
می کنه، و اونها تا ابد به
خوبی و خوشی زندگی
می کنن.

اشکالی نداره. من به اندازه
کافی خوش شانس بودم که
تو نستم کاراکترایی که خودم
آفریدمو ببینم. دیگه چی
پیشتر ازین می خواهم؟

هیچی پیشتر از
این یه نویسنده رو
خوشحال نمی کنه.

DRIP







ارباب گايه! همه اسبا
بخاطر شدت زمين لرزه
گر خيدن همين يکي برا
اسب سوارې آرومه!



اشکالي نداره!
ما همين الان
ميريم!

ه هي، وايضا،
چه خبره...؟!



JUMP



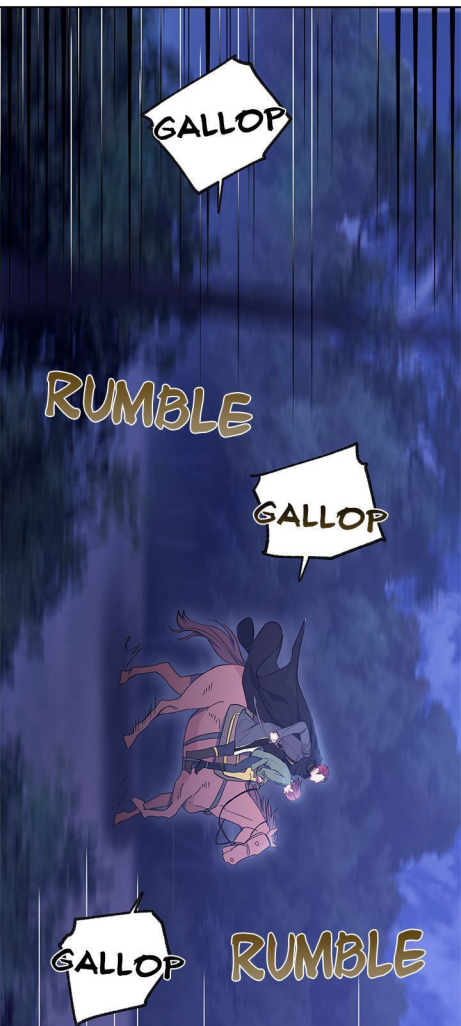
اين زمين لرزه
درست مثل اون
يکيه! دقيقا همون
خسوه داره!

...!!





همین الان
میریم اونجا!
برو خیهون!



من باید قبل
اینکه برسیم

تصمیمو بگیرم.







گایید مش!!

تا امید شده؟

اگه اون چاله بزرگ
الان اینجا بود، اون به قدم
دیگه به امپراطور شدن
نزدیک می شد.

ولی قرار نیست
این اتفاق بیوفته.

برای همیشه که انقد
سرخورده شده.

ینی اون

انقد دلش می خواد
منو پفرسته برم؟



To be continued



Translator: Tony

Editor: Sami

QA/QC: Kay Lee

از شما برای خواندن کارمونی
ممنونیم. لطفاً **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار ما رو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیکمون رو هم بخونین.

@IriSekai

